

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۵ اگست ۲۰۱۹

کردها نیازی به تشکیل دولت مستقل ندارند!

آن که حقیقت را نمی‌داند نادان است، آن که حقیقت را می‌داند ولی انکار می‌کند تبه‌کار است.

«برتولت برشت»

وکلاى عبدالله اوجالان روز پنجشنبه ۱۷ مرداد در بیانیه‌ای گفتند رهبر زندانی حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک.)، آماده یافتن راه‌حلی برای بحران کردستان است و می‌تواند درگیری‌های نظامی بین نیروهای ترکیه و گریلاهای پ.ک.ک را ظرف یک هفته متوقف کند.

ممنوعیت ملاقات برای عبدالله اوجالان که از سال ۲۰۱۱ به اجرا گذاشته شد در ماه مه امسال لغو و وکلای او برای اولین بار پس از هشت سال توانستند با او ملاقات کنند. وکلای اوجالان در بیانیه‌ای اعلام کردند که توانسته‌اند یکبار دیگر با وی ملاقات کنند.

طبق این بیانیه، رفیق اوجالان در دیدار با وکلایش گفته که کردهای ترکیه به یک دولت مستقل در چارچوب فعلی کشور ترکیه و مناسبات تاریخی ترک‌ها و کردها نیازی ندارند.

در این بیانیه به نقل از اوجالان، گفته شده است: «تلاش من این است که فضائی برای کردها باز کنم. بیانیید مشکل کردستان را حل کنم. به خود کاملاً اطمینان دارم و برای رسیدن به یک راه‌حل آماده‌ام. ولی حکومت باید کارهایی را که ضروری است انجام دهد.»

پس از چند سال مذاکرات صلح آتش در سال ۲۰۱۵، از سوی دولت شکسته شد و از آن زمان مناطق کردنشین ترکیه شاهد حملات سیستماتیک و مداوم ارتش و سایر نیروهای امنیتی ترکیه بوده است.

عبدالله اوجالان در مذاکرات صلح قبلی، نقش بسیار مهمی ایفا کرده بود.

با اعلام این بیانیه اوجالان، برخی رسانه‌های ترکی، کردی، فارسی و عرب زبان منطقه و همچنین برخی احزاب چپ و کردی ایرانی، با واژه‌هایی همچون «خائن به ملت کرد»، «ناسیونالیست»، «عشیره‌ئی» و غیره علیه وی سمپاشی کردند. در حالی که هیچ‌کدام از این واژه‌ها، به معنای واقعی درباره مواضع و شخصیت وی صدق نمی‌کنند.



بر اساس اطلاعاتی که توسط وکلای اوجالان و رسانه‌های ترکی و کردی و فارسی منتشر شده، در پیام جدید اوجالان چند نکته وجود دارد که برخی از جریانات و رسانه‌ها، این نکات را جدید تلقی کرده‌اند و از این‌رو، وی را مورد انتقاد شدید قرار داده‌اند. در حالی که تمام این نکات در چند سال اخیر بارها مورد تاکید اوجالان قرار گرفته‌اند. به‌ویژه به این موضع اوجالان که گفته است: «کردها نیازی به تشکیل دولت مستقل ندارند»، گرایش‌ات ناسیونالیستی کرد منطقه و برخی احزاب چپ ایرانی، شدیداً به او تاخته‌اند بدون این که توجهی به افکار اعلام شده وی در دو دهه گذشته توجه داشته باشند و یا اهمیتی به موقعیت او به‌عنوان یک زندانی سیاسی ایزوله و در عین حال شده بدهند.

این هم‌آوایی چپ و راست بر علیه مواضع اوجالان، ناشی از ملت‌گرایی و دولت‌گرایی آن‌هاست!

بگذارید این چند نکته از پیام اخیر «آپو» را با هم مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

- ۱- کردها نیازی به تشکیل دولت مستقل ندارند.
 - ۲- تلاش می‌کنم جایی برای کردها باز کنم.
 - ۳- بیائید معضل کردها را حل کنیم. من در عرض یک هفته زمینه و احتمال تداوم درگیری‌ها را از میان بر می‌دارم من می‌توانم حل کنم. من به خودم اطمینان دارم. اما دولت و ذهنیت دولت نیز باید اقدامات لازم را انجام دهد.
- حال بگذارید به بررسی سوابق این مواضع اوجالان بپردازیم:
- در سال ۱۹۹۸، فشارهای ترکیه بر سوریه و برخی تغییرات موازنات سیاسی در منطقه، دولت حافظ اسد رئیس‌جمهور وقت سوریه از اوجالان خواست که سوریه را به مقصد هر کشوری که خودش می‌خواهد، ترک کند. معاونین و مشاورین اوجالان، به دنبال آن بودند که در یک کشور اروپایی برای او، اقامت بگیرند. اما فشارهای ترکیه و لابی‌های دیپلماتیک این کشور و دولت‌های همپیمان غربی‌اش، باعث شد که هیچ کشوری حاضر به پذیرش اوجالان نباشد.
- نخستین کشوری که درخواست اوجالان را رد کرد، یونان بود. همان کشوری که در دهه‌های متمادی، با دولت ترکیه مناقشه داشته به‌ویژه بر سر تقسیم قبرس.
- کلینتن رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز نمی‌خواست که بین ترکیه و یونان به‌عنوان دو کشور عضو ناتو، به‌خاطر رهبر پ.ک.ک، اختلاف ایجاد شود و به همین خاطر از یونان خواست عذر مهمان را بخواهند.
- روسیه نیز نخواست برایش جایی دست و پا کند و مذاکرات انوارد شواردنادزه وزیر وقت امور خارجه شوروی و سفر او به ترکیه، منجر به آن شد که اوجالان مجبور به ترک روسیه شود.
- در سفر به ایتالیا، این انتظار وجود داشت که رهبر پ.ک.ک، با حمایت سازمان‌های سوسیالیستی و نهادهای مدافع حق پناهندگی سیاسی، در آنجا پذیرفته شود. در زمانی که صدها نفر از کردها به هواداری از او در مقابل هتل شعار سر

می‌دادند، وی در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها اعلام کرد: از انقره به کردستان رفتیم و حزب تشکیل دادیم. از ترکیه به سوریه رفتیم و ارتش تشکیل شد و حالا از خاورمیانه به اروپا آمده‌ایم و دولت تشکیل می‌دهیم.

اشاره اوجالان در این جملات، مراحل تاریخی شکل‌گیری پ.ک.ک بود که حلقه دانشجویی تشکیل‌دهنده آن از انقره به جنوب شرقی ترکیه رفته و در سال ۱۹۷۸ در یکی از روستاهای پیرامون دیاربکر، پ.ک.ک را تشکیل داد و همچنین پس از خروج او همراهانش از ترکیه به سوی سوریه و لبنان در سال ۱۹۸۴، شاخه نظامی پ.ک.ک را تاسیس کردند. وی تلاش کرد بگوید که در فاز بعدی و پس از خروج از سوریه و سفر به اروپا، به‌دنبال تشکیل دولت است.

در آن دوره نیروهای چپ در رابطه با رفع ستم ملی، شعارشان حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی بود. هنوز هم نیروهای چپ ایرانی همین شعار را سر می‌دهند؛ شعاری که جوهر گرایش ناسیونالیسم و ملت‌گرایی و دولت‌گرایی را در بطن خود دارد.

روشن است که اوجالان نیز در آن دوره با دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی خود به فکر تشکیل دولت بوده، اما بعدها مواضع خود را تکامل داده و با رد قاطع و محکم «دولت - ملت»، جامعه‌گرایی و طبیعت‌گرایی در مقابل جوامع قرار داده است.

به این ترتیب، حدود دو دهه است که اوجالان بر این مواضع خود پافشاری می‌کند و در تمام کنفرانس‌ها و کنگره‌های پ.ک.ک نیز بر این موضوع صحنه گذاشته شده که این حزب به‌دنبال تاسیس یک دولت نیست. طبیعی‌ست که خلق کرد به‌همراه سایر خلق‌های منطقه، به مطالبات سیاسی، حقوقی، فرهنگی و دموکراتیک خود دست پیدا کند و نیازی به تشکیل دولت مستقل کردی ندارد. اساساً بحث بر سر رد فلسفه «دولت - ملت» است. سیاستی که حدود هشت سال است در روزه‌ها تجربه شده و عملاً نتایج مثبت آن نیز در مقابل ماست.

بنابراین در سالیان اخیر، نیروهائی که افکار اوجالان را پذیرفته‌اند بارها نشان داده‌اند که اساساً به‌دنبال دولت کردی نیستند، بلکه می‌خواهند در ساختار سیاسی و قدرت سراسری ترکیه در فضائی آزاد، برابر و دموکراتیک سهم و نقش مستقیم خود را ایفا کنند.

اولاً از دیروز تا به امروز، در صفوف و رده‌های مختلف سیاسی - نظامی پ.ک.ک غیرکردها هم کم نیستند. در عین حال در شرایط نوینی که پس از مذاکرات سال ۲۰۱۳ میلادی فراهم شد، دولت اجباراً عقب‌نشینی‌هایی در مقابل مطالبات مردم کرد انجام داد اما این عقب‌نشینی نه استراتژیک، بلکه یک عقب‌نشینی تاکتیکی بود که هدف اصلی‌اش خلع سلاح کردن پ.ک.ک بود اما هم اوجالان و هم رهبران پ.ک.ک خیلی تیزهوش‌تر و هوشیارتر از آن بودند و هستند که به راحتی اسلحه را زمین بگذارند و با دست خالی به قتل‌گاه حکومت مذهبی - فاشیستی ترکیه بروند.

دوم این که اوجالان، همواره تلاش کرده است تا در هر شرایطی، جایی برای خلق کرد باز کند. پیداست که منظور او تأکید بر مطالبات دموکراتیک مردم کرد در چهارچوب جامعه ترکیه است و نه جدائی از آن. در عین حال جواب او به کسانی است که همواره پ.ک.ک و مردم کرد را تجزیه‌طلب معرفی می‌کنند. چرا که همین حالا هم کردها در ساختار سیاسی و حاکمیت ترکیه، صاحب حزب هستند و نهادهای مدنی کردی در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی مختلف فعالیت می‌کنند و به‌ویژه از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان ترکیه، ۶۰ کرسی در اختیار حزب دموکراتیک خلق‌ها (ه.د.پ) است که مستقیماً از سیاست‌های اوجالان تبعیت می‌کند.

سوم این که رهبر زندانی پ.ک.ک اعلام کرده که می‌تواند در عرض یک هفته تمام زمینه‌های تداوم درگیری بین شاخه نظامی پ.ک.ک و ارتش ترکیه را از میان بردارد و همچنین اعلام کرده که به خودش اطمینان دارد و می‌تواند معضل کردها را حل کند. اما به‌شرطی که دولت نیز اقدامات لازم را انجام دهد.

این بند از سخنان اوجالان، هر چند قابل تعمق است اما در مذاکرات قبلی، اوجالان این موقعیت و اتوریته و تاثیر خود را عملاً نشان داده بود. در جریان مذاکرات صلح در جریان پایان دادن به فعالیت‌های مسلحانه و چندین موضوع دیگر در سال ۲۰۱۴ میلادی، سران پ.ک.ک بارها نشان داده‌اند که حاضرند گفته‌های اوجالان را سرلوحه اهداف خود قرار دهند. هر چند که در این مورد احتمال دارد در آینده اختلاف نظرهایی نیز بین رهبری پ.ک.ک به وجود آید.

بدون شک در جریان تداوم درگیری‌های تازه بین نظامیان ترکیه و پ.ک.ک، دولت ترکیه و نهادهایی که سودها و رانت‌های خود را در تداوم جنگ و ناآرامی می‌بینند و به دنبال آن هستند که زمینه‌های درگیری را تقویت کنند و دولت، ارتش، پلیس مخفی و رئیس جمهور نیز بخشی از این ماجراست.

در سال‌های اخیر، رجب طیب اردوخان و حزیش، تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا جامعه ترکیه را اسلامیزه کنند و جامعه سکولار ترکیه را با ایدئولوژی اخوان المسلمینی و نئو عثمانی‌گری خود، سازمان‌دهی کنند.

در ترکیه امروز، بیش از ۸۵ هزار مسجد فعال وجود دارد؛ یعنی به‌طور میانگین برای هر ۳۵۰ شهروند یک مسجد. به این آمار باید ده‌ها مدرسه دینی تحت کنترل دولت یا سازمان‌های غیردولتی را نیز بیفزائیم که شاهدی است بر تلاش دولت ترکیه برای گسترش اسلام‌گرایی در این کشور. به تازگی ترکیه یک دانشگاه اسلامی در استانبول تاسیس شده که انتظار دارند رقیبی برای دانشگاه الازهر در تعلیم و تفسیر قرائت‌های مطلوب اسلامی گردد.

مواجهه اسلام‌گرایی و کمالیزم با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ هم‌زمان است اما در نگاه تاریخی هیچ‌گاه پس از فروپاشی عثمانی، جامعه مدرن ترکیه و جنبش‌ها با ایده‌های اسلام‌گرایانه همراه نبوده است.

در سال ۱۹۸۷ و تاسیس نخستین حزب اسلامی ترکیه که راه را برای رقابت‌های سیاسی با احزاب سکولار باز کرد و کمتر از دو دهه طول کشید تا برتری یافتن اسلام‌گرایان در سیستم دموکراتیک ترکیه قطعیت یابد.

اکنون پس از حدود ۱۷ سال حاکمیت حزب عدالت و توسعه اسلامی به رهبری رجب طیب اردوخان، تاکنون ارتش نیز این نقش را برای حزب عدالت و توسعه به رسمیت شناخته است.

چالش دوم داخلی ترکیه که بر سیاست خارجی آن نیز سایه افکنده چندین دهه مناقشه کرده‌ها و دولت مرکزی است که باید جایگاهش را نه در میان ناسیونالیسم و اسلامی، بلکه باید در یک فضای دموکراتیک بدون توجه به ملیت و مذهب پیدا کند. حقیقتاً این مسأله را عبدالله اوجالان به‌خوبی درک کرده است.



اکنون سیاست‌های اقتصادی حزب اسلامی عدالت و توسعه و رهبرش اردوخان، ضربه شدیدی به اقتصادی ترکیه وارد کرده به‌طوری که سخت به درآمدهای توریستی و نقش ترانزیتی آن میان منابع انرژی و بازارهای اروپایی وابسته است. در سال‌های اخیر نیز کشمکش بین دولت ترکیه و امریکا، این بحران ترکیه را عمیق‌تر کرده است.

رقابت‌های هم‌زمان دولت ترکیه با کشورهای منطقه و اتحادیه اروپا، حاشیه امن ترکیه را به‌شدت ناامن کرده است. با این توجهات، نئو عثمانی‌گری، به‌عنوان جاه‌طلبی‌های اردوخان، اعتبار ترکیه را یک‌سره بر باد داده است.

سنگین‌ترین اتهامی که از آغاز جنگ داخلی سوریه از هشت سال پیش، متوجه ترکیه به‌ویژه خانواده خود اردوخان وارد شده این است که دولت این کشور، در طول مرز نهمصد کیلومتری خود و سوریه، تسهیلاتی برای رفت‌وآمد و تردد گروه‌های تروستی به‌ویژه گروه تبه‌کار اسلامی «داعش» فراهم نموده است و طرح این بحث نیز به‌خودی خود بارها با واکنش‌های متفاوت مقامات ترکیه رویه‌رو شده است. پسر اردوخان بلال اردوخان رابط بسیار نزدیک با سران داعش داشته و نفت آن‌ها ارزان می‌خرد و با قیمت بسیار بالایی به کشورهای اروپایی می‌فروخت.

خانواده اردوخان و برخی وزرای دولت وقت او، همچنین در دوره تحریم‌های چند سال پیش ایران، در همکاری با رضا ضراب و بابک زنجانی، میلیون‌ها دلار رشوه گرفته بودند.

مسئولین ترکیه دست‌کم بارها اقرار کرده‌اند که نمی‌توانند ادعا کنند که بر مرز نهمصد کیلومتری خود اشراف کامل دارند و در مقابل، منتقدین نیز معتقدند که عدم اشراف ترکیه بر مرز سوریه، نه از سر بی‌امکاناتی و مشکلات نظامی و امنیتی و تجهیزاتی، بلکه از سر عمد و به نشانه حمایت از داعشی‌ها و دریافت بسیار ارزان نفت آن بوده است!

اما برخی نهادهای سیاسی و رسانه‌ای مستقل ترکیه و حزب دموکراتیک خلق‌ها، برای تحت فشار قرار دادن دولت ترکیه در دو حوزه مذاکرات صلح و کمک به کوبانی، به‌شکلی گسترده بر موضوع حمایت ترکیه از داعش تاکید کرده و موج تبلیغاتی آنان و فراخواندن مردم به خیابان‌ها، موجب کشته شدن ۳۵ شهروند کرد ترکیه، تخریب یک هزار و دویست بنای دولتی از جمله دویست و بیست مدرسه و به آتش کشیدن شدن بیش از یک هزار و یک صد دستگاه خودرو شد.

این اعتراضات که ۳۵ استان ترکیه را در بر گرفت، هزاران نفر را روانه زندان‌ها کرد، موجب واکنش تند مقامات ترکیه و به‌خطر افتادن مذاکرات صلح شد با این حال، دولت ترکیه حاضر نشد در این خصوص به نفع کردها و صراحتاً بر علیه داعش موضع بگیرد.

واقعیت این است که هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های حقوق و سیاست بین‌الملل، به ترکیه اجازه نمی‌دهند که نیروهای مسلح خود را به سوریه و روژآوا بفرستند و مناطقی را اشغال کنند؛ متأسفانه اما اوضاع کنونی جهانی و منطقه، چنین گستاخی را به سران دولت ترکیه داده است.

حتی پس از رفع بحران‌های سوریه و عراق، باید در انتظار رقابت‌های سرسختانه‌ای میان ترکیه با سایر قدرت‌های رقیب منطقه به‌ویژه عربستان، مصر و اسرائیل و... خواهد ماند. در صورتی که ظهور اسلام سیاسی ضدغربی و نزدیکی به روسیه، همچنان در مرکز ثقل سیاست‌های ترکیه جا خوش کند، عدم حمایت غرب از ترکیه در این رقابت‌ها قطعی خواهد بود.

در چنین شرایطی، با نگاهی به تاریخ دهه‌های اخیر تحولات ترکیه، شاهد حضور افراد و سازمان‌های بسیاری در صحنه‌گردانی قدرت این کشور بوده‌ایم که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فارغ از هر دید و نگاه مثبت و منفی به آن، عبدالله اوجالان و حزب کارگران کردستان (P.K.K) است، که در میانه دهه هفتاد میلادی این حزب و متعاقب آن بنیان‌گذارش خود را در تاریخ معاصر وارد عرصه سیاسی ترکیه کردند و تا کنون نیز با شدت و ضعف در ادوار مختلف به فعالیت‌شان ادامه داده‌اند. این نکته اهمیت ویژه‌ای دارد که بدانیم که جایگاه و تاثیر عبدالله اوجالان که با جهان‌بینی مارکسیستی، فعالیت خود را آغاز کرد، و در ۱۹۸۴ دست به سلاح و مبارزه مسلحانه برد و به مدت ۱۵ سال، یعنی تا سال ۱۹۹۹ میلادی زمانی که «بولنت اجویت» نخست وزیر وقت ترکیه خبر بازداشت وی را اعلام کرد، اکنون نیز تاثیر اوجالان بر شرایط موجود ترکیه، غیرقابل انکار است. شرایطی که دولت انقره امیدوار بود با دستگیری رهبر «P.K.K» و بایکوت خبری او طومار میلیشیای تحت هدایت وی را جمع کرده و حزبش را از دست یافتن به اهداف

خود باز دارد و در نتیجه، نقطه پایانی بر تاریخ آن بگذارد. در چند سال اخیر نیز اردوخان برای حل مشکلات، دوباره میلیتاریسم سابق را با شدت بیشتری به کار برده، تا شاید جمعیت نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ میلیونی مردم کرد و پ.ک.ک و اوجالان را مرعوب سازد.

در بستر وضعیت ترکیه بعد از کودتای «ساختگی» ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ و همچنین تغییر رویکرد دولت ترکیه به مسأله کردها با اقداماتی مانند حمله به دفاتر حزب دموکراتیک خلق‌ها، دستگیری رهبران آن چون دمیرتاش و فیگن یوکسگداغ و درخواست احکام سنگین برای آن‌ها، جایگاه اوجالان نه تنها سست نشده، بلکه محکم‌تر هم شده است. بنابراین اوجالان برای حزب عدالت و توسعه و در راس آن خود رجب طیب اردوخان، راه حل آن مشکلات است.

در طول دهه‌های پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول در ۱۹۱۸ میلادی و تشکیل جمهوری نوین ترکیه (در سال ۱۹۲۳)، شخصیت‌ها، احزاب و سازمان‌های زیادی از میان کردهای ترکیه برخاستند اما عبدالله اوجالان و P.K.K با آن‌ها تفاوت اساسی دارند.

با تغییر روند فکری عبدالله اوجالان، باز هم جایگاه اجتماعی آن را از بیانیه‌ها و همچنین مطالعات کتاب‌هایش می‌توان مشاهده کرد و به پررنگ شدن نقش و جایگاهش در تحولات آینده ترکیه می‌توان نظر داشت.

اردوخان تسویه حساب‌هایی با فتح‌الله گولن دارد که با مسأله فساد مالی بلال اردوخان (پسر اردوخان) به اوج خود رسید و کودتای ۱۵ ژوئیه این فرصت را به او داد تا بعد از تسویه حساب با گولنی‌ها، پ.ک.ک، حزب دموکراتیک خلق‌ها و سایر مخالفین‌اش، آینده اقتدار خود را تضمین کند. اما میراث تاکنونی اردوخان، جز دیکتاتوری، تفرقه و جنگ‌های خونین و اشغال‌گری چیز دیگری نبوده است.

با توجه به زندگی سیاسی و سابقه مبارزاتی عبدالله اوجالان و جایگاهش تا به امروز، برجسته بوده است هر چند که طبیعی‌ست او هم مانند همه سیاستمداران در تاریخ، لغزش‌ها و خطاهایی دارد. اما با این وجود، به‌خصوص باید موقعیت ویژه او را در زندان و آن‌هم در دو دهه طولانی، نباید فراموش کرد. یعنی باید تاکید کرد قضاوت‌ها درباره کسی که آزادی عمل ندارد و در زندان است کار آسانی نیست.

پس می‌توان گفت آینده ترکیه به‌ویژه مردم کرد این کشور، بدون عبدالله اوجالان متصور نیست. از آن سو هم دمیرتاش و تجربه حزب دموکراتیک خلق‌ها (H.D.P) و همچنین پ.ک.ک نشان می‌دهند کردها برنامه سیاسی براساس اصول دموکراتیک برای احقاق حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی خود دارند که با آرمان‌گرایی رادیکالیسم نیز گره خورده است. موج سواری اردوخان و حزب عدالت و توسعه و در نهایت سوءاستفاده برای قدرت‌طلبی بیش‌تر آنان، حاصل شرایطی است که امروز ترکیه بدان گرفتار است.

در واقع تمامی حکومت‌های سرمایه‌داری این منطقه، نه تنها مردم کرد، بلکه همه مردم خود را سرکوب و استثمار می‌کنند. بنابراین به نفع کارگران سرتاسر خاورمیانه است که طبقات حاکم خود را سرنگون کنند و در چارچوب کنفدراسیون مستقیم دموکراتیک و شورایی با همدیگر روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز برقرار کنند. در چنین روندی، افکار و تئوری‌های اوجالان، ابعاد منطقه‌ای پیدا کرده است.

نظریه «کنفدرالیسم دموکراتیک»، در سطح نظری قائل به برساختن دموکراسی مشارکتی و مستقیم و تصمیم‌گیری از سطوح پائین با مشارکت تمامی طیف‌های سیاسی، اجتماعی، یا جنسیتی در سطح جامعه است.

شوراهای محلات به‌طور افقی سازمان‌دهی می‌شوند و از تمرکزگرایی دولتی پرهیز می‌کنند. در این نظریه تاکید اساسی بر تصمیم‌گیری از پائین است و نه از سطوح بالا. این ساختار جدید که اکولوژی و فمینیسم دو پایه محوری آن هستند، متضمن ایجاد یک بدیل اقتصادی متفاوت از شیوه تولید سرمایه‌داری است. مسأله اساسی دیگر در این جوامع

بدیل، مسأله حق دفاع از خود است که به باور اوجالان جوامعی که اولویتی برای این حق قائل نیستند محکوم به زوال و نابودی‌اند.

اوجالان معتقد است که با این طرح و در چشم‌اندازی طولانی‌مدت ساختار دولت - ملت و سازوکار دولتی زوال مینماید. او این نظریه را تنها مختص به کردستان یا یکی از پارچه‌های آن، مثلاً تنها در باکور (کردستان ترکیه) یا روژاوا نمی‌داند و به عقیده وی، می‌تواند در بلندمدت قابلیت گسترش به تمامی چهار پارچه کردستان و نهایتاً خاورمیانه را داشته باشد. اوجالان همچنین این نظریه را یک بدیل جدی برای تمامیت شیوه تولید سرمایه‌داری و سرمایه‌داری جهانی می‌داند. به‌نظر وی:

«همان‌طور که تاکید عمده کنفدرالیسم دموکراتیک در سطح محلی است، سازمان‌دهی جهانی کنفدرالیسم از دستور کار حذف نشده است. برعکس، ما باید یک پلاتفرم از جوامع مدنی ملی را برگزینیم، اجتماع متصل‌شده‌ای که به‌عنوان بدیلی در مقابل سازمان ملل (متشکل از دولت - ملت‌ها) تحت کنترل قدرت‌های بزرگ، ایجاد شود. به این شیوه شاید ما تصمیمات بهتری از منظر صلح، محیط زیست، عدالت و توسعه در سطح جهان بگیریم.»

اما جواب دولت ترکیه به این مواضع به‌غایت انسانی، آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه، عدالت‌جویانه و دموکراتیک اوجالان، جنگ جنگ و سرکوب زندان است.

درگیری طولانی‌مدت دولت ترکیه با پ.ک.ک، منجر به تلفات انسانی و خسارات مادی فراوانی شده و کارشناسان سیاسی و امنیتی بر این باورند که اگر ترکیه در ۴۰ سال اخیر، به جنگ‌طلبی متوسل نمی‌شد، هم‌اکنون از لحاظ اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، در وضعیت متفاوتی به‌سر می‌برد.

بر اساس برخی آمارها و گزارش‌هایی که از سوی مقامات سیاسی و امنیتی ترکیه منتشر شده در چهار دهه اخیر و در نتیجه درگیری‌های مداوم با پ.ک.ک، دست‌کم ۴۵ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند، بیش از ۲۰۰ هزار نفر مجروح شده‌اند، ده‌ها هزار نفر زندانی و صدها نفر شکنجه شده‌اند و یا در زیر شکنجه جان باخته‌اند.

بیش از ۱۲۰۰ روستا در مناطق کردنشین ترکیه به‌خاطر جنگ و درگیری تخلیه شده و ساکنین آن‌ها و همچنین اهالی بسیاری از مناطق کردنشین به استانبول و استان‌های دیگر رفته‌اند و هم‌اکنون بالغ بر ۴ میلیون نفر از جمعیت استانبول را کردها تشکیل می‌دهند.

وزارت کشور ترکیه، اقرار کرده است که جنگ با پ.ک.ک در این چهار دهه، بین ۲۳۰ تا ۲۶۰ میلیارد دلار خسارت بر دست این کشور گذاشته و این رقم برای کشوری که فاقد منابع زیرزمینی است، معادل مبلغ کلانی است که می‌توانست بودجه مورد نیاز توسعه همه‌جانبه ترکیه را به‌مدت ۷ سال تمام تامین کند.

در سال‌های اخیر، ارتش ترکیه با پهبادها، فانتوم‌ها، توپ و تانک‌های خود پ.ک.ک مورد تهاجم دایمی خود قرار داده است. همچنین از ابزار ترور نیز برای حذف فیزیکی کادرها پ.ک.ک غافل نبوده است. دولت ترکیه، همچنین حدود یک سال و نیم پیش، ارتش ترکیه و گروه‌های تروریستی سوری همراهش در عفرین بزرگ‌ترین فاجعه انسانی را آفریدند و این کانتون روژاوا را به اشغال نظامی خود درآوردند و دست به کشتار مردم زدند و اموال‌شان را نیز غارت کردند.

بنا به داده‌های سازمان ملل متحد در عفرین ۱۳۷ هزار نفر مجبور به کوچ اجباری شدند، برطبق گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه این رقم بیش از ۳۵۰ هزار نفر می‌باشد. به گفته نهادهای بین‌المللی حقوق بشر نیز در عفرین سرچشمه‌های حیات، درخت‌های زیتون به آتش کشیده می‌شوند. کردها به اجبار از خانه و کاشانه‌شان بیرون رانده

می‌شوند و خانه و دارائی‌های آنان را به عرب‌ها می‌دهند. افزون بر این‌که اردوخان می‌گوید که عفرین نه شهر کردهاست، بلکه متعلق به عرب‌هاست.

اکنون اردوخان می‌خواهد پناهجویان عرب سوریه‌ای که در شرق فرات پناهنده هستند را نیز وادار به کوچ کند. زیرا دیگر کسی نمی‌گوید: «پناهندگان سوریه‌ای خوش آمدید»؛ بنابراین اردوخان برای پناهندگانی که در ترکیه هستند و شمارشان بیش از سه میلیون نفر است به‌دنبال مکانی تازه است. اگر این پناهندگان در خط مرزی ساکن گردند هم‌زمان به دو هدفش خواهد رسید؛ هم تعداد پناهندگان کم خواهد شد، هم شاید حاکمیت کردها در شمال سوریه به پایان خواهد رسید.

در واقع دولت ترکیه، در پی پاکسازی اتنیکی که با اجبار به کوچ کردن مردم و تغییر محل سکونت‌شان است تکرار تاریخ ژنوساید ارمنه، کوچاندن دو میلیون نفر مابین ترکیه - یونان و وقایع زمان اشغال قبرس است. اکنون نیز مولود چاوش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه از قصد این کشور برای «پاکسازی شبه‌نظامیان کرد» از شرق رود فرات خبر داده است.

وزیر خارجه ترکیه، گفته که «ارتش این کشور همان‌طور که عفرین و جرابلس را از حضور نیروهای شاخه‌های نظامی اتحاد دموکراتیک کرد و حزب کارگران کردستان پاکسازی کرد، به هر قیمتی آن‌ها را از حاشیه شرقی رود فرات نیز بیرون خواهد راند.»

چاوش‌اوغلو که به بهانه تبریک عید قربان در زادگاهش آنتالیا سخن می‌گفت، تاکید کرد که ترکیه این بار به ایالات متحده اجازه نخواهد داد که روند عملیات در شرق فرات را مانند آنچه در منجیب رخ داد، متوقف کند.

وزیر خارجه ترکیه افزود: «امریکا نقش خود را در نقشه راهی که به‌طور مشترک با این کشور تدوین کرده بودیم، ایفا نکرده لذا ما با یا بدون این کشور نیز نسبت به پاکسازی شرق فرات اقدام خواهیم کرد.» ترکیه از سال ۲۰۱۶، و با انجام دو عملیات «فرات» و «شاخه زیتون» یگان‌ها مدافع خلق و نیروهای سوریه دموکراتیک را از عفرین و جرابلس عقب راند و ارتش اشغال‌گر خود و نیروهای تروریستی سوری را در این منطقه مستقر کرد از آن زمان تاکنون بر قصد خود برای اقدام مشابه در شرق فرات تاکید کرده است.

پیش‌تر رجب طیب اردوخان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز اعلام کرده بود که ارتش کشورش عملیات در شرق فرات را به زودی آغاز خواهد کرد و این امر به اطلاع امریکا و روسیه رسیده است.

متأسفانه آن نیروهای چپ و راستی که وقت و بی‌وقت به اوجالان و پ.ک.ک.ک پرخاشگری می‌کنند اما هنگامی که به اشغال‌گری دولت و ارتش فاشیست و جنگ‌طلب ترکیه می‌رسند زبان‌شان بند می‌آید. اما مردم این دشمنان و دغل‌کاران را خوب می‌شناسند و کمترین اهمیتی نیز به تبلیغات خصمانه و غیرواقعی آن‌ها نمی‌دهند.

زندگی و سرنوشت سیاسی اوجالان، شباهت زیادی به زندگی سیاسی نلسون ماندلا در زندان دارد. ماندلا نیز سال‌ها در یک جزیره زندانی بود.

یک بار نلسون ماندلا درباره ۲۷ سال دوران زندان خود گفته بود: «انگاری به یک تعطیلی ۲۷ ساله رفته بودم!»! تعبیری که بیان‌گر شوخ‌طبعی و طنز تلخ نخستین رئیس‌جمهور سیاه پوست آفریقای جنوبی است.

سال‌های زندان ماندلا در کشمکش دایمی با دولت نژادپرست آفریقای جنوبی، سرانجام به اقامت او در خانه‌ای نزدیکی «کیپ‌تاون» تمام شد. در آنجا او رادیو، تلویزیون و روزنامه داشت. به اضافه استخری برای شنا و دیدارهای زیادی که هر روز با او صورت می‌گرفت. اما این شرایط هرگز قابل مقایسه با شرایطی نیست که او تقریباً ۱۸ سال از حبس‌اش را در زندان «روبن» گذراند.

جزیره بدنم «روبن» بین کیپ تاون و کوه تیبل واقع شده است. نام این جزیره از سیل‌هائی گرفته شده است که شهرت دارد در آنجا ازدحام می‌کنند. در زبان المانی به سیل، روبن گفته می‌شود. زندان روبن در همین جزیره واقع شده و تقریباً سه قرن پیش برای نگهداری جذامی‌ها ساخته شد. نخستین حرفی را که نگهبانان این زندان به اعضای کنگره ملی آفریقا هنگام ورودشان به آنجا داد زدند این بود که: «اینجا همان جائی است که شما در آن خواهید مرد» نلسون ماندلا، یکی از سیاستمدارانی بود که با گذشت زمان از احترام فوق‌العاده‌ای در سراسر جهان برخوردار بود. او کسی بود که رهبری مبارزه با حکومت نژادپرست (آپارتاید) را به‌عهده داشت.

نلسون ماندلا، که مدت ۲۷ سال زندانی بود، سرانجام اولین رئیس جمهوری سیامپوست آفریقای جنوبی شد و نقش برجسته‌ای را در برقراری صلح و امنیت و آزادی در سایر مناقشات به‌عهده گرفت. وی شخصی دوست داشتنی بود و با فروتنی و شوخ‌طبعی، پس از آن که در سال ۱۹۹۹ از ریاست جمهوری کشورش کناره‌گیری کرد، به صورت مشهورترین سفیر و نماینده آفریقای جنوبی درآمد. برای مقابله با بیماری ایدز و ویروس اچ آی وی، تلاش زیادی کرد و فعالیت‌های او بود که سبب شد آفریقای جنوبی به‌عنوان میزبان بازی‌های جام جهانی سال ۲۰۱۰ انتخاب شود.

وی همچنین در مذاکرات صلح در جمهوری دموکراتیک کنگو، بروندي و سایر کشورهای جنوب آفریقا شرکت داشت. نلسون ماندلا در سال ۱۹۱۸ متولد شد. نام اصلی او خولی ساسا- دادلیب هونگا، بود. محل تولدش دهکده کوچکی در شرق دماغه آفریقای جنوبی بود و پدرش از قبیله مادیبیا بود. نام انگلیسی نلسون را یکی از معلم‌های دبستانش روی او گذاشت.

در سال ۱۹۴۳، نلسون ماندلا به‌عنوان یک فعال سیاسی به کنگره ملی آفریقا پیوست و بعد موسس و رئیس شاخه جوانان این حزب شد.

در سال ۱۹۵۲، پروانه وکالت گرفت و با اولیور تامبو، که همکاریش بود دفتر وکالت خود را در ژوهانسبورگ باز کرد. آن دو به اتفاق مبارزه علیه تبعیض نژادی را شروع کردند. سیستم آپارتاید توسط حزب ملی، که تمام اعضایش سفید پوست بودند و اکثریت سیاه پوست را سرکوب می‌کردند، پیاده شده بود.

در سال ۱۹۵۶، به نلسون ماندلا و ۱۵۵ فعال دیگر کنگره ملی آفریقا اتهام خیانت زده شد ولی پس از محاکمه‌ای که چهار سال طول کشید، از آنان رفع اتهام شد.

پس از تصویب قانون جدیدی که به موجب آن محل کار و زندگی سیاه‌پوستان تعیین و به آنان تحمیل می‌شد، مبارزه علیه آپارتاید شدت یافت.

در سال ۱۹۶۰، کنگره ملی آفریقا غیرقانونی اعلام شد و نلسون ماندلا و سایر اعضای ارشد این سازمان به فعالیت‌های زیرزمینی روی آوردند. آن‌ها حتی به مبارزه مسلحانه برخاستند.

پس از ممنوع شدن فعالیت سیاسی کنگره ملی آفریقا در سال ۱۹۶۰ نلسون ماندلا از جمله افرادی بود که طرفدار تاسیس یک بازوی مخفی و نظامی برای این گروه بودند. رهبری کنگره ملی آفریقا در ماه ژوئن ۱۹۶۱ پیشنهاد نلسون ماندلا را بررسی کرده و تصمیم گرفت که کسانی که طرفدار ایده ماندلا برای تاسیس شاخه نظامی و به کارگیری روش‌های رادیکال هستند، به او بپیوندند و رهبری این سازمان مانع فعالیت آن‌ها نخواهد شد.

این طرح سیاسی به شکل‌گیری بخش نظامی کنگره ملی آفریقا منجر شد. در سال ۱۹۶۲ نلسون ماندلا دستگیر و به پنج سال زندان در اردوگاه‌های کار اجباری محکوم شد. در سال ۱۹۶۳ زمانی که تعداد زیادی از رهبران کنگره ملی آفریقا

و گروه شبه‌نظامی وابسته به آن بازداشت شدند نلسون ماندلا نیز در کنار آن‌ها در دادگاه به جرم توطئه برای سرنگونی حکومت آپارتاید محاکمه شد.

در همین سال، پس از آن‌که پلیس در جریان تظاهرات در شهرک سیامپوست نشین شارپویل، ۶۹ سیاه پوست را به‌ضرب گلوله کشت، مخالفت با آپارتاید تشدید یافت.

سرانجام ماندلا دستگیر شد و به جرم خرابکاری و تلاش برای سرنگون کردن دولت با توسل به خشونت، به زندان افتاد.

ماندلا دفاع از خودش را در دادگاه به‌عهده گرفت و از این فرصت برای دفاع از عقایدش در ارتباط با دموکراسی، آزادی و برابری صحبت کرد. او گفت ایده یک جامعه آزاد و دموکراتیک را محترم می‌شمارد و آرزویش این است که تمام مردم به اتفاق با مصالحه و با فرصت‌های یک‌سان زندگی کنند. وی افزود این آرزویی است که برای تحقق آن اگر لازم باشد حاضر است جانش را فدا کند.

در زمستان سال ۱۹۶۴، ماندلا به حبس ابد محکوم شد. هنگام فوت مادرش در سال ۱۹۶۸ و نیز پسر ارشدش که یک سال بعد در اثر تصادف اتومبیل کشته شد، به او اجازه شرکت در مراسم تدفین آنان داده نشد.

نلسون ماندلا مدت ۱۸ سال را در زندان جزیره روبن گذراند و در سال ۱۹۸۲ به زندان پالسمور، در خاک اصلی آفریقای جنوبی منتقل شد.

در حالی که ماندلا و سایر رهبران کنگره ملی آفریقا در زندان یا تبعید به‌سر می‌بردند، جوانان شهرک‌های سیامپوست نشین آفریقای جنوبی برای مبارزه با تبعیض نژادی همچنان تلاش می‌کردند. تا قبل از سرکوبی این مبارزات، صدها نفر کشته و هزاران نفر مجروح شدند.

در سال ۱۹۸۰ اولیور تامبو، که در تبعید زندگی می‌کرد مبارزه بین‌المللی را برای آزادی نلسون ماندلا شروع کرد و در پی آن جامعه جهانی، تحریم‌هایی را علیه حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی را که در سال ۱۹۶۷ به اجرا گذاشته بود تشدید کرد.

این فشارها نتیجه داد و در سال ۱۹۹۰ اف-دبلیو- دکلرک، رئیس جمهوری وقت آفریقای جنوبی ممنوعیت کنگره ملی آفریقا را لغو کرد. ماندلا از زندان آزاد شد و مذاکره برای تشکیل اولین حکومت چند نژادی مبتنی بر دموکراسی، شروع شد.

در دسامبر ۱۹۹۳، ماندلا و دکلرک مشترکا جایزه صلح نوبل دریافت کردند. این اقدام مسؤولان اهدای جایزه صلح نوبل، وقاحت این نهاد سرمایه‌داری را بیش از پیش به‌نمایش گذاشتند که جایزه خود را بین یک انسان آزادی‌خواه و زندانی سیاسی ۲۷ ساله حکومت آپارتاید و رئیس یک حکومت نژادپرست و آدم‌کش تقسیم کند؟

موقعیت سیاسی و شهرت نلسون ماندلا در سال‌های زندان به مرور تحکیم شد. او تمام سال‌های زندان را وقف اهدافی کرد که در آغاز مبارزه سیاسی برای خود تعیین کرده بود. در مجموع ۲۷ سال را در زندان سپری کرد.

در ۲ فوریه سال ۱۹۹۰، «فردریک دکلرک» رئیس جمهور آفریقای جنوبی ممنوعیت فعالیت سیاسی ۳۰ ساله علیه کنگره ملی آفریقا را رفع و عفو عمومی اعلام کرد. ماندلا در ۱۱ فوریه سال ۱۹۹۰ از زندان جزیره روبن پس از ۲۷ سال آزاد شد. ماندلا وقتی آزاد شد ۷۱ ساله بود. تمامی مردمان سیامپوست و سفید پوست آفریقای جنوبی به‌خاطر آزادی وی خوشحالش شدند. وی نخستین رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی از طریق انتخابات دموکراتیک شد. و از سال ۱۹۹۴ الی ۱۹۹۹ رئیس‌جمهور بود.

نلسون ماندلا جایزه صلح آتاترک را که دولت وقت ترکیه در سال ۱۹۹۲ در صدد اهدای آن به وی بود را رد کرد.

در وبسایت رسمی کنگره ملی آفریقا چنین آمده است: «بیانیه کنگره ملی آفریقا در خصوص اهدای جایزه آتاترک به نلسون ماندلا - کنگره ملی آفریقا از قصد دولت ترکیه برای اهدای رسمی جایزه آتاترک به نلسون ماندلا در تاریخ ۱۹ می آگاه است. نلسون ماندلا تمام عمر خود را وقف دستیابی به دموکراسی، حقوق بشر و رهائی از خفقان کرده است. کنگره ملی آفریقا بدینوسیله مطلقن اعلام می کند که آقای ماندلا این جایزه را نپذیرفته است و برنامه‌ای هم برای دیدار از ترکیه ندارد. (صادر شده از اداره اطلاعات و تبلیغات مه ۱۹۹۲)

ماندلا در ژوئن سال ۱۹۹۹ پس از بازنشسته‌شدن، به‌عنوان مدافع حقوق بشر به فعالیت خود ادامه داد. وی در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

«آسا موسی»، وکیل مدافع نلسون ماندلا، خواستار تلاش بیش‌تر با هدف آزادی عبدالله اوجالان شد.

آسا موسی عضو کمیسیون بین‌المللی آزادی اوجالان، در مصاحبه با خبرگزاری فرات، ۲۵-۰۹-۱۳۹۴، با بیان این‌که وضعیت اوجالان را از زمان ربودن وی در سال ۱۹۹۹ طی یک توطئه بین‌المللی را رسد می‌کند گفت: «ماندلا نیز همانند اوجالان که برای آزادی خلق خود مبارزه می‌کرد از سوی دستگاه‌های امنیتی بین‌المللی در جریان یک توطئه دستگیر و زندانی شد.»

وی همچنین گفته است: «اوجالان نه تنها در راه آزادی خلق کرد، بلکه برای آزادی و دموکراسی در ترکیه و خاورمیانه مبارزه می‌کند و از من دعوت شد که با اوجالان در زندانی امرالی دیدار کنم اما دولت ترکیه از دیدار من با اوجالان ممانعت کرد.»

این مدافع حقوق بشر و وکیل مدافع ماندلا در پایان، با اشاره به تلاش‌ها برای آزادی اوجالان افزود: «تلاش‌ها با هدف آزادی اوجالان باید افزایش یابد»؛ آسا موسی همچنین در خصوص خودمدیریتی‌های مردمی در شهرهای کردستان بیان داشت که بر اساس قوانین بین‌المللی، خودمدیریتی یک حق قانونی و مشروع است.»

آقای آسا موسی را در سال ۲۰۱۶ در کنفرانسی که در سلیمانیه برگزار شده بود ملاقات کردم. به‌نظرم وی انسانی دوست‌داشتنی و جدی و پیگیر بود. وی حدود دو سال پیش درگذشت.



بنا به گزارش فرات نیوز، شنبه بیست و سوم ژوئیه ۲۰۱۶، هیئتی از کنفرانس «صلح و ثبات در خاورمیانه با اندیشه‌های عبدالله اوجالان» گریلاهای ه.پ.گ و یژاستار در محور کرکوک را دیدار کردند. هیئت مهمان از سوی گریلاهای ه.پ.گ و یژاستار با فرماندهی «چبغدم دوغو» و «سلیم زیلان» مورد استقبال قرار گرفتند. پس از سان نظامی گریلاها، مهمانان به‌ایراد سخنرانی پرداختند.

آسا موسی از آفریقای جنوبی و از یاران نلسون ماندلا، در آغاز سخنان خود مراتب خوشحالی خود را از دیدار با گریلاهای کرد در این منطقه ابراز نمود و یادآوری کرد که به‌دفاع از حقوق کردها ادامه خواهد داد. نام‌برده در بخش

دیگری از سخنان خود دیدار هیئتی از کشورهای مختلف آفریقائی، امریکائی، هندوستان، فلسطین و ... را مایه خوشحالی خود نامید. آسا موسا در ادامه سخنان خود به کنفرانس سه روزه در شهر سلیمانی پرداخت و اعلام کرد که از مبارزه کردها حمایت خواهد کرد و در بازگشت بهکشور خود اقدامات خود را برای برقراری صلح و آزادی اوجالان تسریع خواهند کرد.

بهرام رحمانی، از نویسندگان و فعالین اپوزیسیون ایران هم در سخنان خود یادآوری کرد: «دیدار با شما را برای خود مایه خوشبختی می‌بینم. پ.ک.ک در چهل سال گذشته مبارزه برای آزادی و دفاع از ارزش‌های انسانی را به‌خوبی به‌انجام رسانده است. پ.ک.ک با رهبری اوجالان نه تنها برای کردها، بلکه رهبری همه مبارزان در خاورمیانه و جهان را بر دوش گرفته‌اند. آن‌ها به‌نمایندگی از انسانیت مبارزه می‌کنند...»

شاید امروز مسیر زندگی و سرنوشت سیاسی ماندلا را اوجالان در حال طی کردن است! شایان ذکر است که عبدالله اوجالان بدیل دولت در شکل تجربه شده‌اش را «کنفدرالیسم دموکراتیک» می‌نامد که دموکراسی بدون دولت و از پائین به بالا است که از طریق تشکیل شبکه‌ای از کمون‌ها و شوراهای مستقل اما مرتبط با هم تحقق می‌یابد. برخلاف ساختار سلسله مراتبی و مبتنی بر تفوق یکی بر دیگری در دولت-ملت‌ها، مسائل و امور محلی تا حد امکان مستقل و توسط کمون‌های محلی و منطقه‌ای رتق و فتق می‌شوند و اموری که سرنوشت کلیت جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند از طریق فرستادن نماینده‌ها از تمامی سطوح تصمیم‌گیری (کمون‌های روستاها و محلات تا شهرها) به واحدهای بزرگتر (شورها و مجالس پرجمعیت‌تر و سراسری) حل و فصل می‌شوند.

اوجالان در نوشته‌هایش درباره کنفدرالیسم دموکراتیک، تاکید زیادی بر لزوم سازمان‌دهی و تشکیل نهادها در سطوح مختلف توسط مردم دارد و از جوهر کلام او پیداست که اصلی‌ترین ضامن تداوم این نظام اجتماعی-سیاسی همین مشارکت فعالانه دموکراتیک و مستمر مردم است. شرط تحقق چنین مشارکتی هم نه تنها تضمین آزادی‌های اساسی آزادی بیان، اندیشه، عقیده، تجمعات و...، بلکه برابری اعضای جامعه و نفی روابط سلسله مراتبی و تبعیض بر مبنای ملیت، طبقه، جنسیت، مذهب و غیره است.

در واقع سیستم دموکراتیک، یک سیستم غیردولتی مردمی است. سیستمی است که تمامی اقشار خلق و در راس آنان، زنان و جوانان، سیاست خودسازمان‌دهی دموکراتیک خود را تعیین کرده و بر اساس شهروند کنفدرالیونی مستقیم و برابر، شورها و مجالس شهروند آزاد خود را در منطقه ایجاد می‌کنند... نیرویش را از خلق گرفته و در عرصه اقتصاد نیز برای رسیدن به خودکفائی، از راه‌های ضدکاپیتالیستی است.

در حقیقت روژاوا (کردستان سوریه) دومین محل پس از کردستان ترکیه بوده است که با الهام از اندیشه‌های اوجالان، نظام سیاسی و اجتماعی جدیدی در آن به‌بوته آزمایش گذاشته شده است.

عبدالله اوجالان، پس از دستگیری محاکمه و به اعدام محکوم شد اما دولت وقت ترکیه، به‌دلیل انتقادات گسترده و تلاش‌هایی که برای عضویت در اتحادیه اروپائی داشت از اعدام وی خودداری کرد و به حبس ابد وی در زندان جزیره امرالی بسنده کرد. در عین حال دادگاه حقوق بشر اروپا در سال ۱۳۸۴ و پس از شکایت وکلای اوجالان، محاکمه وی را دارای ایرادات مختلف و غیرمنصفانه اعلام کرد. وجود قاضی ارتشی در دادگاه، عدم دسترسی وی به پرونده خود، حبس قبل از محاکمه و صدور حکم اعدام را از موارد غیرمنصفانه بودن دادگاه دانست.

اوجالان در سال ۱۹۹۹ توسط کماندوهای ترکیه در کنیا با همکاری پلیس مخفی‌های امریکا، اسرائیل، یونان و...، ربوده شد از آن تاریخ تاکنون در یک زندان امنیتی در یکی از جزایر ترکیه در حومه استانبول نگهداری می‌شود.

بسیاری از شهروندان کرد خاورمیانه، به‌ویژه روژآوا و ترکیه و هواداران حزب دمکراتیک خلق‌ها که در پارلمان ترکیه حضور دارد برای عبدالله اوجالان احترام خاصی قایلند و نقش او را در روند تحولات دموکراتیک و صلح خاورمیانه بسیار مهم می‌دانند.

نهایتاً مشکلات کردها در این منطقه از جهان، سرانجام باید با راهکار دمکراتیک حل شوند و برای این کار لازم نیست تجزیه صورت گیرد یا مرزها تغییر کند. این مرزها می‌توانند به‌جای آن که مرز دیوار، سیم خاردار، مین‌گذاری، درگیری و جنگ باشند، به مرز دوستی، صلح و ثبات و رفاقت تبدیل شوند.

چهارشنبه بیست و سوم مرداد [اسد] ۱۳۹۸ – چهاردهم اگست ۲۰۱۹